

ترجمه و نقد مقاله «قرآن و علم» از دایرةالمعارف قرآن اولیور لیمان

مرتضی نصراللهی*

دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم

چکیده

مقاله قرآن و علم نوشته «ام. شمشیر علی» می‌کوشد دیدگاه قرآن درباره علوم تجربی را تبیین کند. نگارنده مقاله با پاسخ به این پرسش که: «آیا بین قرآن و علم تعارض وجود دارد؟»، نتیجه می‌گیرد که جست‌وجوی علمی از نظر قرآن مورد تأیید است. در ادامه ریشه تعارض نداشتن قرآن با علوم تجربی را مطرح می‌کند که همان «حقانیت قرآن و مطالب مطرح شده در آن» می‌باشد. وی به طور ضمنی تحریف نشدن قرآن را می‌پذیرد. بعد هم به اصول و قوانین علمی مورد اشاره در قرآن از جمله «اصل مفید بودن تمام موجودات» و «اصل تناسب» می‌پردازد و در پایان با ارائه تذکراتی همه را، برای پیشرفت علوم، به قرآن توجه می‌دهد.

واژه‌های اصلی: قرآن و علم، علوم تجربی، تعارض.

مقدمه

این متن ترجمه مقاله «Science and the Quran» نوشته «ام. شمشیر علی» (M. Shamsheer Ali) می‌باشد که در صفحات ۵۷۱ - ۵۷۶ دایرةالمعارف قرآن (The Quran an Encyclopedia) تدوین شده توسط اولیور لیمان آمده است. مترجم برای هر قسمت از بحث عنوان‌هایی را انتخاب کرده است که در متن اصلی نبود. پس از ترجمه مقاله نیز نقدی به مطالب آن وارد کرده است. [۱]

ترجمه مقاله

الف) قرآن و تشویق به پرسش و تحقیق

علوم تجربی (science)، مبتنی بر تحقیق، شک و تردید است و مذهب اسلام که اصول اولیه آن در قرآن قرار دارد، مبتنی بر ایمان است. پیش از بحث درباره رابطه علم و قرآن، مناسب است بپرسیم که آیا تحقیق و پرس و جو در مورد قرآن ممنوع است؟

این پرسش چند سوال را در بردارد که یکی از آنها «رابطه علوم تجربی و قرآن» می‌باشد، لذا آسان‌تر خواهد بود که بحث را بر روی نقاط تلاقی قرآن و علم متمرکز کنیم. بسیاری تمایل دارند که فکر کنند تحقیق جایگاهی در اسلام ندارد، ولی این دیدگاه غلط است.

اولین حمایت از پرس و جو و تحقیق برای رسیدن به حقیقت، در آغاز آیه ۲۶۰ سوره بقره ظاهر می‌شود:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ...﴾؛ «(به خاطر بیاور) هنگامی

را که ابراهیم عليه السلام گفت: «خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟» خدا فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟! عرض کرد: «آری، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد. فرمود: «در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن! و آن‌ها

را قطعه قطعه کن. سپس بر هر کوهی قمستی از آنها را قرار بده. بعد آنها را بخوان، به سرعت به سوی تو می‌آیند و بدان خداوند توانای حکیم است».

جالب است که ابراهیم علیه السلام به خالقش ایمان کامل داشت و این سوال را برای این مطرح کرد که خداوند به او نشان بدهد احیای مردگان را چگونه انجام می‌دهد. در آیه بالا به ابراهیم علیه السلام پیشنهاد شد چهار مرغ را بگیرد و آنان را به گونه‌ای تربیت کند که با او انس بگیرند. واژه تمایل و انس «فَصْرُهِنَّ إِلَيْكَ» به نکته مهمی اشاره دارد، این که اگر پرنده‌ای به فردی انس بیابد، آن فرد احتمالاً اطلاعات کاملی در رابطه با ماهیت، طبیعت و زیستگاه آن پرنده خواهد داشت.

براساس آیه، وقتی چنین پرنده‌ای به قطعاتی تکه‌تکه می‌شود، به دعوت فردی که پرنده به او عادت و گرایش داشت و هیچ بخشی از زندگی آن برای فرد پوشیده نیست! پاسخ خواهد داد؛ شبیه انسان که خداوند او را از ماده‌ای بی‌جان ساخت و پس از مرگ، به دعوت خداوند پاسخ می‌دهد؛ همان خدایی که از تمام اسرار انسان خبر دارد.

پرسش اساسی پس از بیان این جزئیات مطرح می‌شود؛ این که آیا خداوند با پرسش ابراهیم علیه السلام مخالفت کرد و او را دل‌سرد کرد یا این که به آن توجه کرد و آن را پذیرفت؟

از آیه بالا مشهود است که خداوند به این پرسش توجه کرد. بنابراین جایگاه قرآن در مورد پذیرش پرسش خیلی روشن است. اگر کسی بخواهد بفهمد چه چیزی در قرآن مُجاز و ممنوع است، کافی است که تشویق شود از آن مطلب پرس و جو کند و این مطلب کفایت می‌کند که تحقیق در اسلام منع نشده است. این پاسخ‌ها از میان چنین مفاهیمی به دست می‌آید و بسیاری از نقاط ابهام را حل می‌کند و به ایمان فرد سوال‌کننده قدرت و جسارت می‌بخشد. در حقیقت

از نوع بشر به طور مداوم در قرآن درخواست شده است درباره ساز و کار طبیعت، تفکر و حقایق را استخراج کند.

خداوند در آیه ۱۰۱ سوره یونس از پیامبر ﷺ می‌خواهد به مردم بگوید به آنچه در آسمان‌ها و زمین هست، نظر کنند. این نظاره وظیفه دانشمندان (Scintists) است. ابتدا کارهای علمی (به طریق علوم تجربی) در عالی‌ترین سطح توسط خود خداوند تشویق شده است. تحقیق و بررسی از حقیقت که اساس کار دانشمندان است، یکی از قوی‌ترین نقاط مورد تأکید قرآن را شکل می‌دهد.

یکی از نام‌های قرآن «فرقان» است. ریشه این واژه «فراق» می‌باشد تا چیزی را از چیزی متمایز کند. قرآن بین ظلم و عدالت، صواب و خطا، و حق و باطل فرق می‌گذارد. اصرار قرآن بر روی حق مشخص است و حتی تبلیغ اسلام را با جبر و زور به شدت منع می‌کند «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره / ۲۶۵).

قرآن در مورد اهمیت حقیقت، قبل از این که دانشمندان جدید خود را درگیر تحقیق و بررسی حق کند، تأکید کرده است که تنها حق و حقیقت است که بین قرآن و علم تطابق و هماهنگی ایجاد می‌کند. گرچه ضرورت ندارد بعضی چیزها را همگان بپذیرند و بشناسند و به آن اعتراف کنند، چرا که همه کسانی که مطالعات علمی دارند، مطالعات قرآنی ندارند و برعکس.

ب) حقانیت قرآن، ریشه تعارض نداشتن با علم

نظام آموزش نو که در خیلی از کشورها وجود دارد، می‌خواهد جدایی بین قرآن و علم را به نمایش بگذارد. در حالی که هرکس قرآن و علم را با هم مطالعه کند، احتمالاً نتیجه می‌گیرد که تحقیق بیشتر روی طبیعت، فهم بیشتر آیات خلقت جهان را به دنبال دارد و همچنین تشابه و سازگاری (نه تعارض) بین علم و قرآن

را درک می‌کند. تقریباً ۷۵۰ آیه قرآن مطالب علمی دارد. کتاب‌های «انجیل، قرآن و علم» و «شواهد علمی قرآن کریم» اذعان می‌کنند که در قرآن، آیه‌ای که به یک دیدگاه علمی حمله کند، وجود ندارد.

قرآن آشکارا تأکید می‌کند که خداوند کتاب مقدس قرآن را بر «حق» فرو فرستاد (آیات ۲۱۳، ۲۵۲ از سوره بقره، آیات ۳، ۶۰ و ۱۰۸ از سوره آل عمران و آیات ۱۰ و ۱۷۰ از سوره نساء) و آن چه به حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی شده است، همه حق و حقیقت است (سوره رعد، آیه ۱).

این آیات دانشمندان علوم تجربی جوایز حقیقت را به مبارزه فرا می‌خوانند، برای مثال اشاره‌ای علمی در قرآن به این مضمون هست که تمام اشیاء (نه فقط جانداران) به صورت زوج خلق شده‌اند (سوره یس، آیه ۳۶). این اشاره می‌تواند یک دانشمند علوم تجربی را به چالش فرا بخواند که قدرت و استدلال و آزمایش و بررسی نماید که آیا این امر حقیقت دارد یا خیر؟

در این رابطه جالب است اشاره شود که برای به حقیقت رسیدن، نیاز به دانش است و آیه ۲۵ سوره حج و آیه ۶ سوره سباء به روشنی تأکید می‌کنند که کسانی که به آنها علم داده شده است، می‌دانند این حقیقتی از سوی خداوند است. (ترجمه آیه: آن‌ها که دارای علم‌اند آن چه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است، حق می‌دانند).

در آیه ۶ از سوره جاثیه خداوند آیات خود را به حق و حقیقت توصیف می‌کند. هم‌چنین در قرآن به این مطلب اشاره شده است که این آیات را فقط صاحبان خرد درک می‌کنند.

در این جا بیانات قرآنی را در مورد حق و حقیقت خلاصه می‌کنیم:
آنچه در قرآن آشکار شده، برحقیقت نازل شده است. آیات الهی حقیقت‌اند.

خلقت آسمان‌ها و زمین و هر آنچه بین آنهاست، تنها برحق مبتنی و واقع شده‌اند (دخان/۳۹).

این بیانات قرآن، دانشمندان حقیقت جو را متقاعد می‌کند که تعارضی بین قرآن و علم نیست. قرآن به حقایق خلقت اشاره و علم در مورد آنها تحقیق می‌کند. قرآن یک کتاب علمی محض نیست؛ بلکه کتاب راهنمایی بشر برای تمامی فعالیت‌های مفید اوست؛ به دلیل این که علم و تکنولوژی به عنوان یک بخش جدا نشدنی از فرهنگ بشری است. طبیعی است که بپذیریم قرآن می‌تواند تحقیقات بشری را نسبت به طبیعت برجسته نماید و نشان بدهد. در حقیقت قرآن این کار را به زیبایی انجام می‌دهد، چرا که اولین کلمات وحی با عبارت «بخوان» شروع شده است. این کار دیگران را به یادگرفتن تشویق می‌کند و بیشترین تاکید خود را بر روی تحصیل علم متمرکز می‌کند. قرآن اولوالالباب و صاحبان خرد را مهم و با اهمیت می‌داند.

ج) قرآن و بیان اصول علمی

ج ۱) قرآن و اصل علمی: مفید بودن همه موجودات

قرآن هم‌چنین به حقایق علوم تجربی به صورت بسیار خردمندانه، با نشان دادن اصول اولیه علوم تجربی، اشاره می‌کند. آیات ۱۹۰ و ۱۹۱ آل عمران در این ارتباط قابل ذکر است. در این ارتباط این مطلب مفید است که در جهان ۳۰ میلیون گونه از شکل‌های زندگی وجود دارد و دانشمندان تاکنون فقط در مورد ۵ میلیون از آنها تحقیق کرده‌اند، شکل‌های باقی مانده زندگی باید حفظ شوند و با جزئیات مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرند؛ چرا که نبود هرکدام در تعادل زیستی (اکولوژیکی) جهان و به تبع آن در زندگی ما تاثیر مهمی دارد. تعجب‌آور نیست که زیست‌شناسان جدید، همان‌ها که از حفظ تنوع زیستی دفاع می‌کنند،

این اصل اساسی را که هر چیز برای چیز دیگر خلق نمی‌شود (یعنی هر موجودی بی‌فایده نیست و خلقتش تبعی و اضافی نیست) پذیرفته‌اند. این اصل برآمده از یک نظم فوق‌العاده و عام زیستی است و به عنوان یک اصل اساسی علمی نقش ایفا می‌کند. این اصل انعکاسی از آیه ۱۹۱ سوره آل‌عمران می‌باشد. «... وَيَنْفَكِرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا...»؛ «... در آفرینش آسمان‌ها و زمین فکر می‌کنند و می‌گویند: بارالها این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای».

ج/۲) اصل تناسب

اصل اساسی دیگر در سوره فرقان، آیه ۲ بیان شده است: اوست خدایی که همه چیز را آفرید و آن‌ها را به دقت اندازه‌گیری کرد.

وجود تناسب یا اندازه‌گیری توسط ریاضی‌دانان مورد توجه قرار گرفته است. آن‌ها متوجه شده‌اند که گل‌های کوچک و زیبای آفتاب‌گردان، رشد و فاصله گرفتنشان از مرکز گل، به طریق ضرایب ۰ - ۱ - ۲ - ۳ - ۵ - ۸ - ۱۳ و ۲۱ صورت می‌گیرد. این همان الگویی است که در ریاضی به نام «سلسله اعداد فیبوناچی» شناخته شده است. با توجه به این مدل ریاضی است که اکنون همه متوجه وجود اندازه‌گیری (تقدیر) دقیق در شکل‌گیری گل آفتابگردان شده‌اند.

بنابراین گرچه قرآن کتاب علوم تجربی نیست، با این حال به بسیاری از حقایق علمی از طریق بیان تعدادی از اصول اساسی اشاره می‌کند و این اصول شامل بسیاری از قوانین می‌باشد. دانشمندان حقیقت جوی موظف‌اند که در مورد این قوانین مطالعه و تحقیق کنند.

د) قرآن و بیان قوانین و نظریه های علمی

دانشمندان علوم تجربی چه می‌کنند؟ هیچ دانشمندی قوانین طبیعی را ایجاد نمی‌کند؛ بلکه آن‌ها را کشف می‌کند. قوانین بر موجودات جاندار و بی‌جان

حاکم‌اند و از قبل در یک نظم طبیعی وجود داشته‌اند و دانشمندان این قوانین را با تحقیق و آزمایش کشف می‌کنند.

اگر دانشمندان این قوانین را کشف نمی‌کردند، چه اتفاقی می‌افتاد؟ آیا طبیعت متفاوت از حال رفتار می‌کرد؟

قطعاً جواب منفی است. طبیعت طبق قوانینی که برایش تعریف شده است، به مسیر خود ادامه می‌دهد. برای مثال آیا اگر کسانی مانند تایکوبرا، یوهان کپلر، نیکولاس کوپرنیک، گالیلئو گالیله، اسحاق نیوتن و آلبرت انیشتین متولد نشده بودند، سیارات به گونه‌ای دیگر به دور خورشید می‌چرخیدند؟ نه، سیارات به حرکت خود به دور خورشید مطابق با یک «inverse squar» قانون جاذبه، ادامه می‌دهند و این قانون از ترکیب دو قانون «حرکت ماده»، کشف شده توسط نیوتن و «قوانین منظومه‌ای» (سیاره‌ای) کشف شده توسط کپلر به وجود آمده است.

قرآن در سوره یاسین، آیه ۴۰ بیان می‌دارد: «... وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ»، یعنی هرکدام فقط در مدار خود (مطابق با قانون) می‌چرخند».

جالب است که قبل از کوپرنیک هیچ کس با مفهوم مدار اجرام آسمانی آشنایی نداشت. گرچه این کلمه ۱۴۰۰ سال قبل در قرآن آمده است. حقیقت زیباتر این که قوانین آن به تازگی توسط دانشمندان کشف شده است.

همچنین قابل ذکر است که خداوند از مردان و زنان می‌خواهد، نه از طریق ترس از شکنجه‌ها و عذاب‌های جهنمی یا از طریق شوق به نعمت‌های بهشتی، بلکه از طریق نظر به خلقتش از دیدگاه و نقطه نظر علمی به او ایمان بیاورند.

خداوند در سوره انبیاء، آیه ۳۰ می‌فرماید:

«أيا كافرين نمی بینند که آسمان و زمین به یک‌دیگر پیوسته بودند (به عنوان

یک واحد خلقت) و ما آن‌ها را از هم جدا کردیم، آیا ایمان نمی‌آورند؟»

به نظر می‌رسد قرآن در این آیه به نظریه انفجار بزرگ (بیگ بنگ) در خلقت جهان اشاره می‌کند؛ همان نظریه‌ای که عنوان نظریه غالب پذیرفته شده است. این آیه هم‌چنین به خلقت زندگی اشاره می‌کند. بنابراین پاسخ به دو پرسش عمده بشریت: (۱- جهان چگونه خلق شد؛ ۲- زندگی چگونه آغاز شد) در این آیه نهفته است و از کافران خواسته شده است که با فهم و درک خلقت جهان و آغاز حیات، با توجه به قانون علمی، ایمان بیاورند. بنابراین حقیقت علمی به عنوان پایه و اساس ایمان ملاحظه شده است؛ به جای این که در تقابل با آن باشد.

پس از ملاحظه تاکیدات قرآن بر حقیقت علمی، می‌توان گفت، خداوند با اصطلاح «آیات» به آن حقایق علمی اشاره کرده است. این واژه در معانی بسیار و در متون متنوع در قرآن ظاهر می‌شود. انسان پس از بررسی این حقیقت را در می‌یابد که گرچه به صورت رسمی و تعریف شده هر آیه از قرآن را «آیه» می‌نامند، اما چیزهایی که به عنوان آیات (نشانه‌های خدایی) ذکر می‌شوند، اهمیت علمی دارند، برای مثال خداوند در آیه ۱۶۴ سوره بقره می‌فرماید:

«در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکت‌اند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرد و با آن زمین را پس از مرگ زنده نمود و انواع جنبنندگان را در آن گسترد و در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است؛ برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند».

خلقت اجرام آسمانی و زمین که در این آیه ذکر شده در محدوده علوم اختریفی و نجوم قرار می‌گیرند. آمد و رفت شب و روز موضوع علوم جغرافیا و هواشناسی، شناور بودن کشتی در اقیانوس‌ها، پیام‌آور اصل ارشمیدس است که در بحث دینامیک سیالات مطرح می‌شود. احیای زمین پس از بارش باران،

موضوع علوم آب و هوا، گیاه‌شناسی و کشاورزی است. پراکندگی انواع جانداران و چهارپایان موضوع علم جانورشناسی و علم ژنتیک است. جابه‌جایی بادها و ابرها که بین آسمان و زمین کشیده می‌شوند، موضوع علوم هواشناسی است. این موضوعات علمی به عنوان آیات یاد می‌شوند.

کلمه آیات در جاهای دیگر قرآن و در دیگر مواضع نیز می‌آید، ولی چیزهایی که به عنوان آیات ذکر شده‌اند، بیشتر ماهیت علمی دارند. خداوند و خالق هستی دیده شدنی نیست، ولی خلقت را می‌توان دید و هدف علم، مطالعه و تحقیق و بررسی جزئیات این خلقت می‌باشد، بنابراین علم تجربی مطالعه آیات الهی است که ما معانی و مفاهیمی را که در ارتباط با فهم حقایق خلقت است، درمی‌یابیم. گرچه ما در باره حقایق علوم تجربی در این جا صحبت می‌کنیم، ولی حقایق دیگری در حوزه ارزش‌های انسانی و اجتماعی مانند عشق، زیبایی، احساس هم‌دردی و... وجود دارد. در مذهب اسلام این حقایق نیز باید در قلب یک مسلمان باشد و در زندگی روزانه آن را به ظهور برساند.

تذکراتی در این جا ضروری است:

اول - قرآن با توجه به این که وحی الهی است، بر حقیقت محض مبتنی می‌باشد، همچنان که این مطلب در خود قرآن نیز آمده است. هرکس ایمان به این حقیقت مطلق داشته باشد، می‌تواند از قرآن برای حقیقت علمی استفاده کند؛ اما برعکس آن صحیح نیست (یعنی هرکس که حقیقت علمی را پذیرفت ضرورتاً به قرآن ایمان ندارد).

دوم - در ارتباط با پیدا کردن نقاط تلاقی قرآن و علم از طریق حقیقت‌جویی، هرکس باید در نظر داشته باشد که فقط آن حقایق علمی‌ای را که کاملاً بررسی و تحقیق شده‌اند و در آزمایش‌ها در گذر زمان سربلند بیرون

آمده‌اند، با قرآن مقایسه کند. سوالی که در این ارتباط ممکن است مطرح شود، این است که در مواردی ما به حقایقی از یک آیه برمی‌خوریم که آن را براساس موازین علمی نمی‌توان توضیح داد و توجیه کرد در این موارد چه باید کرد؟

جواب به سوال مبتنی بر این حقیقت است که با توجه به اهداف حقیقت‌یابی، آیا آن علم تجربی مبتنی بر یک روش‌شناسی مطمئن و صحیح قرار گرفته است. این روش‌شناسی به هر حال بدون نقص و نقاط ضعف نیست. احتمال دارد بخشی از واقعیت فراسوی محدودیت‌های زیست‌شناختی ما باشد و تحت روش علمی قرار نگیرند، بنابراین همه حقایق، موضوع علم تجربی نیست. در حالی که دانشمندان نمی‌توانند وقایع تجربی را بدون تحقیق رها کنند و به یک نقطه شروع و دسته‌ای از روش‌ها نیاز دارند، اگر آن‌ها باید تحقیقات خود را به انجام برسانند، این حقیقت را نیز باید بپذیرند که در مرحله‌ای از دانش تجربی، یک آیه قرآنی از نظر علمی فهم‌پذیر نیست، بنابراین این احتمال باقی می‌ماند که در آینده روی این آیه بیشتر تمرکز کنند.

در این زمینه می‌توان از آیه ۳۶ سوره یاسین استفاده کرد. وقتی این آیه نزدیک به ۱۴۰۰ سال قبل به پیامبر وحی می‌شد، بشر درباره زوجیت خلقت گیاهان و جانداران اطلاعاتی داشت، ولی این آیه فقط به این مرحله از خلقت اشاره نمی‌کند؛ بلکه به موجوداتی که مردم در آن زمان از آن بی‌اطلاع بودند، نیز اشاره می‌کند.

بعدها در دهه ۱۹۲۰، دانشمندی به نام «دیراک» تئوری ذرات و ضد ذرات را با تحقیقات خود در مورد تعادل در حرکت الکترون آزاد کشف کرد. براساس این تئوری ما می‌دانیم که ذرات بنیادی طبیعت، ضد خود را نیز دارند، یعنی الکترون، الکترون مثبت، پروتون، آنتی پروتون، نوترون، آنتی نوترون و... را در بر دارد.

بیشتر این که با پیشرفت علم فیزیک ذره‌ای، ما همچنین می‌فهمیم که خلقت زوجی می‌تواند در میان موجودات زنده و هم بی‌جان اتفاق بیافتد در نتیجه الان معنای آیه بالا کمی بهتر از قبل فهم پذیر است.

نکته‌ای که از این جا به دست می‌آید، این است که قرآن حقایق محض را در بردارد و درک آیات قرآن با تحقیق در حقایق جهان خلقت، روزبه‌روز بهتر می‌شود. ما در آستانه یک هزاره جدید با چالش‌های فراوان علمی قرار داریم. اگر رویارویی با این چالش‌ها گریزناپذیر است، نه تنها ما باید خود را برای پیشرفت‌های فنی آماده کنیم، بلکه باید یاد بگیریم که چگونه ارزش‌های زندگی را حفظ کنیم. حقیقت، تنها پایه تمام اعمال و افکار ما خواهد بود. در اسلام قرآن منبع حقیقت است و آن را نه تنها باید خواند، بلکه باید فهمید. فهم قرآن با پیشرفت دانش تجربی بیشتر می‌شود.

بررسی و نقد مقاله

نگارنده مقاله به طور ضمنی هنگام بحث از تعارض نداشتن علوم تجربی با آیات قرآن، به حقانیت یعنی «منطبق بر واقع بودن مطالب قرآن» اشاره می‌کند که این به معنای تحریف نشدن قرآن است.

نکاتی را در ارتباط با مطالب مطرح شده در مقاله تذکر می‌دهیم.

همچنان که می‌دانیم برای تفسیر علمی قرآن سه شیوه وجود دارد [۲]:

۱. استخراج همه علوم از قرآن: طرفداران این شیوه اعتقاد دارند که همه چیز در قرآن هست و در این راستا آیاتی را که ظاهرشان با یک قانون علمی سازگار نبود، تاویل می‌کردند. این شیوه پس‌آمدهای منفی زیادی دارد که عمده آن‌ها تاویل بسیاری از آیات، بدون رعایت قواعد ادبی ظواهر و معانی آیات، می‌باشد؛ لذا مردود است.

۲. تطبیق و تحمیل نظرات علمی بر قرآن: در این شیوه با مسلّم دانستن قوانین و نظرات علوم تجربی، مفسر براین امر متمرکز می‌شود که آیات موافق این نظریه علمی را از قرآن بیابد و اگر آیه‌ای موافق با آن نظریه نیافت، دست به تاویل یا تفسیر به رأی می‌زد، این روش هم مردود است.

۳. استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن: در این شیوه مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کند و با استفاده از مطالب قطعی علوم که با دلیل عقلی و ظاهر آیات قرآن موافق است، به تفسیر علمی می‌پردازد. این شیوه تنها نوع صحیح تفسیر علمی است. حال با توجه به مطالب فوق، باید دید نویسنده در این مقاله کدام یک از شیوه‌ها را به کار گرفته است؟

نگارنده در بخشی از مقاله می‌پذیرد که قرآن فقط کتاب علمی نیست. او قرآن را کتاب راهنمای بشر می‌داند و در بخش دیگر از مقاله می‌پذیرد که حقایق علمی تنها حقایق موجود در قرآن نیست، بلکه حقایق فراعلمی و فراحسی نیز در قرآن هست که در زندگی باید به آن‌ها توجه کرد. بنابراین وی از روش استخراج استفاده نکرد و این روش را هم نمی‌پذیرد. به نظر می‌رسد نگارنده روش دوم را نیز نپذیرفته است، چرا که معتقد است: در نقاط تلاقی قرآن و علم، فقط از آن حقایقی که کاملاً بررسی و تحقیق شده‌اند و به عبارت دیگر قطع روان‌شناختی به صحت آن‌ها به دست آمده است می‌توان استفاده کرد و از مضمونات و نظریه‌هایی که اثبات نشده‌اند، در تفسیر قرآن نمی‌توان استفاده کرد.

وی در بخش دیگر هنگام بروز تعارض میان آموزه‌های دینی و داده‌های علوم تجربی، نقاط ضعف روش‌شناختی علمی را منشاء بروز تعارض دانسته و تلویحاً این حقیقت را که «قرآن برتر از علم است» پذیرفته است و تأکید می‌کند

که این حقیقت قرآنی که فعلاً با علم در تعارض است، جایی را برای تحقیق بیشتر توسط عالمان تجربی باز نگاه می‌دارد.

به نظر می‌رسد نگارنده روش سوم را در تفسیر علمی پذیرفته است، اما با این وجود پرسش‌هایی در این جا مطرح می‌شود که نتیجه آن می‌تواند این باشد که بین روش دوم و سوم (نظریه تحمیل و نظریه استخراج) مردد است. وی در بخشی از سخنان خود مفهوم آیه و آیات را در دو معنا منحصر دانسته است؛ یکی آیه به همان معنی آیه قرآن و دیگر به معنای نشانه‌های خدایی که معنای دوم را منحصر در مسائل علمی دانسته است؛ در حالی که می‌دانیم آیه و آیات در قرآن به معنی معجزات نیز آمده است (ر.ک. به: آیات ۱۱۸ و ۲۱۱ از سوره بقره - ۷۳، ۱۰۶ و ۱۳۲ از سوره اعراف و ۱۰۱ سوره اسراء و...).

نگارنده در هیچ جای مقاله از حقایق فرا علم و تجربه و عالم غیب سخن نمی‌گوید. به نظر می‌رسد در ارتباط با زنده شدن چهارپرنده، علت جواب دادن پرندگان را نه یک امر طبیعی، بلکه آشنایی خود دعوت کننده به تمام حقایق آن موجودات و زیست‌گاه آنان می‌داند و در جایی دیگر از مقاله خود وقتی می‌خواهد برای حقایقی غیر از حقایق علمی نمونه‌هایی ذکر کند، ارزش‌های انسانی و اجتماعی از قبیل عشق، زیبایی، احساس هم‌دردی و... مثال می‌زند.

در بحث تعارض علم و قرآن هم با توجه به این که بعضی مسائل فراحسی‌اند و در گستره حس نمی‌آیند، ایشان پیشنهاد تمرکز و تحقیق در این مورد را می‌دهند؛ در حالی که صحیح این بود که به قدرت لایزال الهی و وجود عالم ماوراء ماده نیز اشاره بکند.

در تفسیر علمی به روش سوم آشنایی مفسر به قواعد و رعایت ضوابط تفسیر معتبر ضروری است، ولی آشنایی ایشان در این بخش احراز نشده است.

مهم‌ترین ایراد این مقاله، این است که ایشان درباره موافقت علم و قرآن زیاده‌روی کرده و با استناد به کتاب‌های «انجیل و قرآن و علم» و «شواهد علمی قرآن» ادعا می‌کند هیچ آیه از قرآن با حقایق علمی تعارض ندارد و در قرآن آیه‌ای نیست که یک دیدگاه علمی را نپذیرد.

این ادعا باعث می‌شود قرآن از نظریات علمی تبعیت کند و در نتیجه نظریات علمی را بر قرآن تحمیل کنیم و این همان روش دوم تفسیر علمی است که یک روش غیرصحیح است. دلیل مطلب این است که ما نظریات علمی داریم که گرچه بعضی از آن‌ها هنوز در حد فرضیه‌اند، ولی با ظهور آیات قرآن تعارض دارند، مانند نظریه تکامل انواع داروین و...؛ بنابراین برای دوری از هرگونه تفسیر به رای، باید معارف قرآنی را اصل و نظریات علمی را تابع آن‌ها قرار دهیم. گرچه نویسنده در بحث تعارض، حق مطلب را به خوبی ادا کرده است.

پی‌نوشت‌ها:

- [۱] در نقد مقاله بیشتر از کتاب منطق تفسیر قرآن (۱) و (۲) نوشته دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی استفاده شد.
- [۲] عالمان اسلامی و غیرمسلمان درباره رابطه علوم تجربی و قرآن آثار زیادی از خود به جای گذاشته‌اند که می‌توان به کتاب‌های ذیل مراجعه نمود:
- الف) عهدین، قرآن و علم، دکتر بوکای، ترجمه حسن حبیبی.
- ب) قرآن و علوم طبیعت، دکتر مهدی گلشنی.
- ج) نقد شبهات پیرامون قرآن (ترجمه شبهات وردود) علامه معرفت، صفحات ۳۸۰ به بعد.
- د) درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.
- هـ) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، همو.

Further reading:

- Bucaille, M. (1979) *The Bible, the Qur'an and Science*, trans. Alastair D. Pannell, Indianapolis: American Trust Publications.
- Maulana Abdullah Yusuf Ali (1967) *The Meaning of the Holy Qur'an, Text, Translation and Commentary*, Lahore: Ashraf.
- Islamic Foundation Bangladesh (1995) *Scientific Indications in the Holy Qur'an*, Bangladesh: Islamic Foundation, 2nd edn.
- See also: natural world and the Qur'an; numbers and the Qur'an

منابع:

- ۱- مقاله «Science and the Quran» نوشته «ام. شمشیر علی» (M. ShamsheerAli)، قرآن: یک دایره‌المعارف The Qur'an: an Encyclopedia، سرویراستار: (الیور لیمن) Oliver Leaman، ناشر: (راتلج) Routledge، شایک: (Print Edition) 0-415-32639-7 ISBN10، 9-78-0-415-32639-1 ISBN13، چاپ: اوّل ۲۰۰۵م هم زمان در آمریکا وکانادا، تعداد صفحه: ۷۷۱ صفحه و ۲۹ صفحه مقدمات.
۲. رضایی اصفهانی، دکتر محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۱) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، نشر جامعه‌المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه، قم، ۱۳۸۵ ش.
۳. رضایی اصفهانی، دکتر محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، نشر جامعه‌المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه، قم، ۱۳۸۵ ش.